

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۱
۱۵ می ۲۰۱۵

داعش، دستاویز گسترش جنگ

گفته معروفی است که امپریالیزم بدون جنگ نمی‌تواند زنده بماند. امپریالیستها برای ماندن بر سکوی فرماندهی دنیا، به دنبال دستاویزی می‌گردند که جنگ و جنایت‌هایشان را توجیه کنند. در حال حاضر، بنیادگرایی اسلامی نقش خوبی در این بازی ایفاء می‌کند و سازمان‌های جاسوسی دولتهای امپریالیست برای هر دوره‌ای، نسخه تازه‌ای از اسلام سیاسی را رونمایی می‌کنند که نیازمندی‌های روز را برطرف کند. آنها اگر خواستند گروه‌های پراکنده جهادی را به جان هم می‌اندازند و در نهایت کشورها را از راه نابودی زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وابسته خود می‌سازند؛ و اگر منافع آنها حکم کند، تمام گروه‌های تندرو اسلامی را زیر یک چتر قرار داده و از آنها علیه دشمنان ستراتیژیک‌شان بهره می‌برند.

به اساس اسنادی که از سوی ادوارد سنودن فاش شده، داعش زاده عملیاتی به نام «لانه زنبور» است که برای گردهم‌آوری تمام گروه‌های تندرو اسلامی زیر یک چتر از سوی سازمانهای استخباراتی امریکا، انگلیس و اسرائیل راه‌اندازی شد. داعش قرار بود در مصر مستقر شود، اما روی کار آمدن نظامیان در این کشور سبب شد تا برنامه تغییر کند. اکنون این گروه در عراق و سوریه لنگر انداخته، ولی همچون شبخ ترسناک در خاور میانه، آسیای مرکزی و افغانستان و پاکستان در حال گردش است.

داعش با اعلام ولایت خراسان (ایران، افغانستان، پاکستان و آسیای میانه) در «خلافت اسلامی» خودخوانده‌اش تلاشها برای حضور جدی در این منطقه را آغاز کرده است. شماری از گروه‌ها و دسته‌های تندرو اسلامی در افغانستان و پاکستان هم به ابوبکر البغدادی، رهبر داعش بیعت کرده اند و خانواده‌های داعشی در شماری از ولایت‌ها از جمله زابل، غزنی، هلمند و فراه دیده شده اند. حضور داعش در افغانستان دو قضیه را روشن‌تر می‌کند:

الف: امپریالیزم امریکا در هر سرزمینی که به بهانه ثبات‌سازی رفته است نه تنها امنیت نیآورده بلکه جنگ را پیچیده‌تر کرده و زمینه‌ها و فرصت‌های تازه‌ای برای رشد بنیادگرایی اسلامی فراهم ساخته است. امریکایی‌ها با بیرون‌شدن از عراق، زمینه را برای رشد و گسترش داعش آماده کردند، اما حالا عین تجربه تلخ قرار است در افغانستان تکرار شود. بحران‌سازی‌ها اما برای ایالات متحده امریکا سود زیادی داشته و در نهایت پای این ابرقدرت را به سرزمین‌های تازه کشانده است.

حضور داعش در افغانستان می‌تواند بخشی از برنامه انتقال جنگ از افغانستان به آسیای میانه باشد که سازمان‌های جاسوسی غربی به همکاری شماری از سازمانهای استخباراتی کشورهای منطقه (برای تگ‌ترکردن حلقه محاصره روسیه و چین، دو ابرقدرتی که مانع اصلی تطبیق ستراتیژی آسیایی امریکا هستند) سعی دارند آن را اجرا کنند. از این

نظر، داعش، بازی استخباراتی در ظرف بزرگتر است و افغانستان و پاکستان هم کشورهایی اند که ظرفیت گسترش این بازی را به قلمروهای تازه دارند.

طالبان که بیشتر ماهیت محلی دارند تا منطقه‌ئی و جهانی، برای پیشبرد این برنامه چندان مناسب نبودند. اما داعش که حتا جغرافیای خیالی حاکمیتش بر بخشی از آسیا، افریقا و اروپا را ساخته، در صدد راه‌اندازی "خلافت اسلامی" در بخشی از جهان است و مرزهای ملی کنونی کشورهای اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسد، گزینه خوبی برای اجرای برنامه گسترش و انتقال جنگ به سرزمین‌های تازه‌تر است. دولت اسلامی مشهور به داعش با موفقیت‌هایی که در عراق و سوریه به دست آورد، نشان داد که این توانائی را دارد تا سیل‌آسا دست به جنگ تهاجمی زده و همه را غافلگیر کند.

ب: طالبان در افغانستان نقش داده‌شده از سوی سازمانهای جاسوسی غرب را نتوانستند به سرانجام برسانند، و خشونت‌گری‌ها، تعصب دینی، غرور کاذب ناشی از پیروزی‌های پی‌درپی، محلی‌گرایی و قوم‌زدگی غلیظ آنها سبب شد تا عمر حکومت‌داری زیادی نداشته باشند. طالبان با آن که پس از فروپاشی امارت اسلامی در سال ۲۰۰۱، اندک‌اندک توانستند خود را دوباره تجهیز کرده و به جنگ علیه دولت کابل و نیروهای خارجی بپردازند، اما به دلیل شناخت مردم از عملکردهای فاشیستی و جنایت‌بار آنها و پراکندگی سیاسی و تشکیلاتی که پس از فروپاشی امارت اسلامی به آن دچار شده‌اند، حتا موفق به تصرف یک ولایت در کوتاه‌مدت نشدند. سیزده سال نبرد طالبان در برابر نیروهای خارجی و دولت افغانستان، به این گروه فهماند که شرایط عوض شده و عصر طلایی طالبانیزم به سر رسیده است. محبوبیت طالبان حتا در مناطق جنوب و شرق کشور که مدعی بیشترین نفوذ و پایگاه مردمی در آنها هستند، کاملاً از بین رفته است.

این وضعیت چه در صفوف پائین و چه در صف بالائی طالبان منجر به خستگی و سردرگمی شده است. به اساس گزارشها، طالبان حالا قاطعیت ایدیولوژیک گذشته را از دست داده و بیشتر پول‌محور شده‌اند. با این وصف، شانس پیوستن طالبان به روند صلح، زیر رهبری "حکومت وحدت ملی" نسبت به سالهای گذشته بیشتر است؛ اما این به معنای پایان کار نیست. اگر طالبان به روند سیاسی پیوسته و دست از جنگ بردارند، چه نیروئی باید به عنوان جاگزین طالبان، جنگ در افغانستان را پیش ببرد؟

دولت اسلامی مشهور به داعش می‌تواند جاگزین طالبان شده و جنگ با نیروهای امنیتی افغانستان را ادامه دهد. داعش ممکن است در هماهنگی با سازمان جاسوسی پاکستان تلاش کند تا همانگونه که بخشی از طالبان پاکستانی را به خودش جلب کرده است، سایر تندروان اسلامی مستقر در آن کشور را هم زیر چتر خود جمع آورده و جغرافیای جنگ طالبان پاکستانی را به افغانستان منتقل کند.

داعش اگر نتواند توقع بزرگ گسترش و انتقال جنگ به سرزمین‌های تازه از جمله آسیای میانه را برآورده کند، دست‌کم در افغانستان می‌تواند مشکل‌ساز شود و درد سرهای زیادی ایجاد کند. حضور داعش در افغانستان به هر دلیلی که باشد، پیامدهای خطرناک و مرگبارتر از القاعده و طالبان دارد. داعش با دغدغه راه‌اندازی "خلافت اسلامی" در سطح جهانی، بی‌رحم‌تر از هر گروه تروریستی دیگر ظاهر شده و پیش از هر کاری، در ذهن مردم ترس می‌آفریند: ترس آدم‌سوزی، ترس گردن‌زدن و کشتار دسته‌جمعی.

داعش در حال حاضر مصروف سربازگیری در افغانستان، پاکستان و آسیای میانه است و هنوز درگیری میان این گروه و نیروهای امنیتی افغان صورت نگرفته است. اما روشن است که وضعیت چنین نخواهد ماند و داعشی‌ها هنگامی که زمینه را برای حمله مساعد دیدند، وارد کارزار خواهند شد.